

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۱۴

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۲۰

سال دهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۹۵

طرح اندیشه مهدویت در کلمات امام عسکری علیه السلام

امیر غنوی^۱

چکیده

اندیشه مهدویت، به منزله چراغی فراراه شیعه در عصر غیبت است. افزون بر این، طرح این اندیشه از سوی پیامبر و امامان شیعه، متناسب با شرایط اجتماعی و معضلات پیشاروی بوده است. یافتن اجزای این طرح در کلمات هر یک از معصومان علیهم السلام می تواند روشنی بخش شرایط و مشکلات عصر صدور باشد و طرح کلی امامان شیعه را برای عصر غیبت مشخص کند.

این پژوهش، برای دستیابی به طرح اندیشه مهدویت، به بررسی مستقیم کلماتی پرداخته که از هر یک از معصومان بر جای مانده است. تحلیل محتوایی این جملات با توجه به شرایط صدور و همچنین دسته بندی موضوعی آنها می تواند طرح هر امام برای دوره خویش را مشخص کند و در مجموع تصویری از طرح ایشان برای برخورد با شرایط اجتماعی و معضلات هر دوره و نیز طرح کلی آنان برای عصر غیبت را معلوم نماید.

یافته های تحقیق در زندگی و کلمات امام عسکری علیه السلام نشان می دهد دغدغه اصلی آن حضرت، رفع خطر از جان امام مهدی علیه السلام و شیعیان و حفظ باورهای مهدوی در عصر پرتلاطم آغاز غیبت بوده است. امام عسکری علیه السلام موفق شد از یک سو با رفتارهایی پیچیده، تولد امام مهدی علیه السلام را از دشمنان پنهان دارد و از دیگر سو، این باور را در میان اجتماع شیعه حفظ و تحکیم کند. همچنین سخنان او در ترسیم مشکلات عصر غیبت و راه رهایی از آن، مسیر آینده را برای شیعیان ترسیم کرده است.

واژگان کلیدی

امام عسکری علیه السلام، تولد مهدی علیه السلام، تحکیم باورهای مهدوی، مسیر در عصر غیبت.

۱. استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم (amir_ghanavi@yahoo.com).

امامت حضرت عسکری علیه السلام در عصر آشفتگی و ضعف عباسیان آغاز شد. دربار عباسی چنان دچار ضعف و در اختیار سرداران و سیاست بازان ترک بود که خلیفه چاره‌ای جز اطاعت از ایشان را نداشت. در طول امامت کوتاه حضرت عسکری علیه السلام چند خلیفه بر تخت نشستند و پس از مدتی به خواست ترکان مجبور به ترک مسند خویش شدند. آن چه در این میان ثابت می‌ماند، سخت‌گیری حکومت نسبت به امام عسکری علیه السلام بود.

آن حضرت در ریشه‌یابی این سخت‌گیری‌ها به دو چیز اشاره می‌کند:

وقال (الفضل بن شاذان) حدثنا عبد الله بن الحسين بن سعد الكاتب قال: قال أبو محمد علیه السلام: قد وضع بنو أمية وبنو العباس سيوفهم علينا لعلتين: إحداهما أنهم كانوا يعلمون أنه ليس لهم في الخلافة حق فيخافون من ادعائنا إياها وتستقر في مركزها. و ثانيهما أنهم قد وقفوا من الأخبار المتواترة على أن زوال ملك الجبابة والظلمة على يد القائم منا وكانوا لا يشكون أنهم من الجبابة والظلمة فسعوا في قتل أهل بيت رسول الله صلى الله عليه وآله وإبادة نسله، طمعا منهم في الوصول إلى منع تولد القائم أو قتله، فأبى الله أن يكشف أمره لواحد منهم، إلا أن يتم نوره ولو كره الكافرون؛ (حر عاملي، ۱۴۲۵: ج ۳، ۵۷۰)

فضل بن شاذان از عبد الله بن حسين بن سعد كاتب نقل کرده است که امام عسکری علیه السلام فرمود: بنی امیه و بنی عباس به دو علت شمشیر بر ما نهادند: یکی آن که آنان می‌دانستند که در خلافت هیچ حقی ندارند؛ از این رو از ادعای ما نسبت به آن و از قرار گرفتن حکومت در جایگاهش می‌ترسیدند و دوم این که از خبرهای متواتر آگاه شده بودند که از میان رفتن پادشاهی زورگویان و ظالمان به دست قیام‌کننده ما خواهد بود و شک نداشتند که خودشان از زورگویان و ظالمان هستند؛ از این رو برای کشتن اهل بیت پیامبر و نابود کردن نسل او تلاش کردند،^۱ به طمع این که از تولدش جلوگیری کنند یا او را بکشند، و خدا نخواست که کار او برای هیچ کدامشان آشکار شود تا آن که نورش تمامیت یابد حتی اگر که کافران نپسندند.

۱. امام عسکری علیه السلام به این نکته تصریح کرده است که دشمنان تلاش دارند برای جلوگیری از تولد امام دوازدهم علیه السلام، حضرت عسکری علیه السلام را به قتل برسانند، ولی این توطئه به نتیجه نخواهد رسید: «زعموا أنهم يريدون قتلي ليقطعوا هذا النسل، و قد كذب الله عز و جل قولهم، و الحمد لله؛ خیال کردند می‌توانند مرا بکشند که این نسل را قطع کنند، در حالی که خدا - چیره است و بزرگوار - باورش را به خلاف واقع کرد و سپاس مخصوص خداست» (صدوق؛ ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۰۷؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۲۲۳؛ ابن طاوس، ۱۴۱۱: ۲۷۷).

«هذا جزء من اجترأ على الله في أوليائه، يزعم أنه يقتلني وليس لي عقب، فكيف رأى قدرة الله فيه؟ و ولد له ولد سماه محمد في سنة ست و خمسين و مائتين؛ این مجازات کسی است که در مورد اولیای خدا بر پروردگار جسارت ورزیده است؛ گمان می‌کند مرا می‌کشد، در حالی که من فرزندی ندارم. پس در قدرت خدا در این باره چه باوری داشت؟ و برای او در سال ۲۵۶ فرزندی زاده شد که او را محمد نامید» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۲۹).

افزون بر این، رفتار حکومت عباسی با امام عسکری علیه السلام نشان می داد که حاکمان نسبت به فرزند احتمالی او حساسیت بسیار داشتند. همچنین تقیه ها و تدبیرهای امام برای مخفی ماندن ولادت فرزندش نیز، نشان از خطری داشت که او را تهدید می کرد. برنامه های حضرت عسکری علیه السلام در مواجهه با این خطر را می توان به دو بخش تقسیم کرد؛ نخست، اقداماتی که برای دور کردن خطر از جان امام زمان علیه السلام انجام شد که او بتواند در اختفا به زندگی ادامه دهد و رهبری در عصر غیبت را به انجام رساند و دوم، ایجاد ابزارها و فضای مناسب برای این که شیعیان و نزدیکان از تولد او آگاه شوند و خدشه ای به باورهای شیعیان وارد نگردد.

بخش نخست: جلوگیری از خطر

برای جلوگیری از ورود هرگونه آسیبی به امام مهدی علیه السلام از چند شیوه استفاده شد: کتمان تولد، به اشتباه انداختن دشمن با اعلان ولادت و فوت فرزندان دیگر حضرت عسکری علیه السلام و در نهایت، ایجاد فاصله میان محل زندگی امام مهدی علیه السلام با فضای زندگی امام عسکری علیه السلام. الف) کتمان تولد امام مهدی علیه السلام؛ اگرچه حکومت عباسی از خطر حرکت علویان با خبر بود و دغدغه تولد موعود را داشت، ولی زمان آن را ندانسته و مادر او را نمی شناخت؛ از این رو امام عسکری علیه السلام به یاران دستور داد که ولادت حجت خدا را کتمان کرده و این مسئله را از مردم بپوشانند. این نکته را احمد بن اسحاق قمی از امام عسکری علیه السلام نقل کرده است:

وُلِدَ الْخَلْفَ الصَّالِحَ علیه السلام وَرَدَ عَنِ مَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام إِلَى جَدِّي أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ كِتَابٌ فَإِذَا فِيهِ مَكْتُوبٌ بِحَظِّ يَدِهِ علیه السلام الَّذِي كَانَ تَرِدُ بِهِ التَّوْقِيعَاتُ عَلَيْهِ وَفِيهِ وُلِدَ لَنَا مَوْلُودٌ فَلْيَكُنْ عِنْدَكَ مَسْئُورًا وَعَنْ جَمِيعِ النَّاسِ مَكْتُومًا ...؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۴۳۴)

احمد بن حسن بن اسحاق قمی گوید: چون خلف صالح علیه السلام متولد گردید از مولایم امام حسن عسکری علیه السلام به جدم احمد بن اسحاق نامه ای رسید که در آن، امام با دستخط خود که توقیعات با آن دستخط صادر می شد - آمده بود: برای ما فرزندی متولد شده است و باید نزد تو پوشیده و از همه مردم پنهان بماند ...

امر به کتمان از برخی دیگر از اصحاب نیز نقل شده است:

حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْمُنْذِرِ عَنْ حَمَزَةَ بْنِ أَبِي الْفَتْحِ قَالَ: جَاءَنِي يَوْمًا فَقَالَ لِي الْبِسَارَةُ وُلِدَ الْبَارِحَةَ فِي الدَّارِ مَوْلُودٌ لِأَبِي مُحَمَّدٍ علیه السلام وَأَمْرٌ بِكَيْفَانِهِ قُلْتُ وَمَا اسْمُهُ قَالَ سَمِيَ بِمُحَمَّدٍ وَكُنِيَ بِجَعْفَرٍ؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۳۲)

حسن بن منذر گوید: روزی حمزه بن ابی الفتح به نزد من آمد و گفت: مژده که دوش برای امام حسن عسکری علیه السلام در خانه، فرزندی متولد گردید و او فرمان داد که این

موضوع پنهان بماند، گفتیم: نام او چیست؟ گفت: او را محمد نامیده‌اند و کنیه‌اش ابوجعفر است.

ب) پوشش دادن به تولد حجت خدا با تولد و مرگ فرزندان دیگر امام عسکری علیه السلام: در برخی روایات از تولد فرزند دیگری برای حضرت عسکری علیه السلام همزمان با تولد حضرت حجت خبر داده شده است؛ فرزندی که مدتی کوتاه پس از ولادت از دنیا می‌رود:

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِدْرِيسَ قَالَ وَجَّهَ إِلَيَّ مَوْلَايَ أَبُو مُحَمَّدٍ علیه السلام بِكَبْشٍ وَقَالَ عَمَّهُ عَنِ ابْنِي فَلَانَ وَ كُلِّ وَأَطْعِمَ أَهْلَكَ فَفَعَلْتُ ثُمَّ لَقِيْتُهُ بَعْدَ ذَلِكَ فَقَالَ لِي الْمَوْلُودُ الَّذِي وُلِدَ لِي مَاتَ ثُمَّ وَجَّهَ إِلَيَّ بِكَبْشَيْنِ وَكَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَقَّ هَذَيْنِ الْكَبْشَيْنِ عَنِ مَوْلَاكَ وَكُلَّ هُنَّكَ اللَّهُ وَأَطْعِمَ إِخْوَانَكَ فَفَعَلْتُ وَ لَقِيْتُهُ بَعْدَ ذَلِكَ فَمَا ذَكَرَ لِي شَيْئًا؛ (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۴۵)

مسعودی از ابراهیم بن ادریس روایت کرده که گفت: مولای من امام حسن عسکری علیه السلام دو رأس قوچ نزد من فرستاد و فرمود: این‌ها را برای فلان پسر من عقیقه کن خود و خانواده‌ات از آن گوشت بخورید! من امر آن حضرت را اجرا کردم، بعد از آن که آن بزرگوار را دیدم، به من فرمود: آن نوزادی که متولد شد از دنیا رفت. پس از چندی، امام عسکری علیه السلام دو رأس قوچ نزد من فرستاد و نوشت: بسم الله الرحمن الرحيم، این دو رأس قوچ را برای مولای خود امام زمان عقیقه کن و خودت از گوشت آن بخور! خدا برای تو گوارا کند و به برادران خود هم اطعام کن! من هم [امرامام] را انجام دادم، بعداً که آن حضرت را دیدم چیزی به من نفرمود.

همین مطالب در روایتی دیگر با تفاوت‌ها و اضافاتی از حضرت عسکری علیه السلام نقل شده است:

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ عَنِ الْبَشَّارِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِدْرِيسَ صَاحِبِ ثِقَةِ أَبِي مُحَمَّدٍ علیه السلام قَالَ: وَجَّهَ إِلَيَّ مَوْلَايَ أَبُو مُحَمَّدٍ كَبْشَيْنِ وَقَالَ اغْقِرْهُمَا عَنِ ابْنِي الْحَسَنِ وَ كُلِّ وَأَطْعِمَ إِخْوَانَكَ فَفَعَلْتُ ثُمَّ لَقِيْتُهُ بَعْدَ ذَلِكَ فَقَالَ: الْمَوْلُودُ الَّذِي وُلِدَ لِي مَاتَ ثُمَّ وَجَّهَ لِي بِأَرْبَعِ أَكْبِشَةٍ وَكَتَبَ إِلَيْهِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اغْقِرْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةَ أَكْبِشَةَ عَنِ مَوْلَاكَ وَ كُلِّ هُنَّكَ اللَّهُ فَفَعَلْتُ وَ لَقِيْتُهُ بَعْدَ ذَلِكَ فَقَالَ لِي: إِنَّمَا اسْتَرَسَتْ لِي اللَّهُ يَا بَنِي [بَابِنِي] الْحَسَنِ وَ مَوْسَى لَوْلَدِهِ مُحَمَّدٍ مَهْدِيٍّ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَالْفَرَجِ الْأَعْظَمِ؛ (خصیبی، ۱۴۱۹: ۳۵۸)

ابن جمهور از بشار بن ابراهیم همراه مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام نقل کرده است که سرورم امام عسکری علیه السلام دو قوچ برایم فرستاد و فرمود: این دو را از طرف فرزندم حسن بکش و بخور و به برادران غذا بده. [این کار را] انجام دادم. پس از مدتی ایشان را ملاقات کردم و فرمود: فرزندی که برایم زاده شده بود، مرد. بعد از مدتی برایم چهار قوچ فرستاد و برایم نوشت: به نام خدای بخشایشگر مهربان این چهار قوچ را از طرف سرورم بکش و بخور! گوارایت باد. [این کار را] انجام دادم و بعداً ایشان را ملاقات

کردم. به من فرمود: خداوند صرفاً با دو فرزندم حسن و موسی برای فرزند حسن، محمد مهدی این امت و بزرگ‌ترین گشایش، پوشش و حفاظی فراهم کرد.

امام از تدبیر پروردگار خبر می‌دهد که تولد فرزندان دیگر و مرگ برخی از آن‌ها در حقیقت نوعی پوشش بوده است تا کسی متوجه تولد امام دوازدهم علیه السلام نشود. در کلام امام عسکری علیه السلام درباره تولد اولین مولود به بشار بن ابراهیم دستور اطعام برادران داده شد ولی در مورد تولد امام دوازدهم علیه السلام صرفاً از او خواسته شد که گوشت قربانی‌ها را بخورد. شاید در مورد اول آشکار کردن ولادت فرزند اول که در ادامه با اعلان بعدی مرگ این فرزند همراه شد، مانع از توجه ذهن‌ها به تولد مولودی دیگر در همان اوان می‌شد؛ در حالی که در زمان تولد حضرت حجت، سخنی از اطعام برادران مؤمن نیست و طبعاً کمتر کسی از آن خریدار خواهد شد.^۱

ج) ایجاد فاصله میان محل زندگی امام مهدی علیه السلام و فضای زندگی امام عسکری علیه السلام: از احوالات در ایام امامت حضرت عسکری علیه السلام اطلاعی چندان در دست نیست، اما مسلماً حضور در فضای طبیعی زندگی خانوادگی برای ایشان مقدور نبوده و غیبت و پنهان ماندن، سرنوشت محتوم ایشان بوده است. در روایتی حضرت عسکری علیه السلام در پاسخ به پرسش عیسی بن مهدی جوهری از محل زندگی حضرت مهدی علیه السلام، این‌گونه پاسخ می‌دهد:

فقال عیسی بن مهدی الجوهري فأردنا الکلام والمسألة فقال لنا قبل السؤال فيکم من أضر مسألتي عن ولدي المهدي علیه السلام وأین هو وقد استودعته الله كما استودعت أم موسی علیه السلام حيث قذفته في التابوت فألقته في اليم أن رده الله إليها فقالت طائفة منا إی و الله یا سیدنا لقد كانت هذه المسألة في أنفسنا؛ (خصیبي، ۱۴۱۹: ۳۴۵)

عیسی بن مهدی جوهری نقل می‌کند که خواستیم سخن گفته و [از امام] سؤال کنیم، پیش از سؤال ما فرمود: میان شما کسی هست که در دل این پرسش از من را در مورد فرزندم مهدی علیه السلام دارد و این که او کجاست، حال آن که من او را همان‌گونه که مادر موسی، موسی علیه السلام را به خدا سپرد آن‌جا که او را در تابوت نهاد و در رودخانه انداخت تا خدا او را نزدش بازگرداند، او را به خدا سپرده‌ام. گروهی از ما گفتند: آری، سرور ما به خدا قسم این پرسش در دل ما بود.

امام عسکری علیه السلام با تشبیه خود و فرزندش به مادر حضرت موسی و فرزندش به نکته‌ای اشاره می‌کند که کمتر مورد توجه بوده است و آن محل زندگی و چگونگی رشد و نمو امام زمان

۱. البته در نقل شیخ در ولادت مولود اول آمده است: «أطعم اهلك» و درباره ولادت حضرت حجت علیه السلام آمده است: «أطعم اخوانک» که شاید در مورد نخست - یعنی اطعام خانواده - احتمال پخش شدن خبر بیشتر باشد تا مورد دوم (برادران دینی). البته نقل‌های شیخ طوسی و خصیبي هر دو دچار ضعف سند هستند.

در عصر زندگی امام عسکری علیه السلام است. تشبیه امام عسکری علیه السلام نشان می‌دهد که احتمالاً امام زمان علیه السلام در مقطعی از حیات پدر در کنار او نبوده است.

این جدایی را از روایات دیگری نیز می‌توان دریافت؛ مانند روایتی که در آن امام عسکری علیه السلام در اواخر عمر خویش از مادرش می‌خواهد امام مهدی علیه السلام را با خود به حج ببرد:

عن احمد بن مصقلة قال: دخلت على أبي محمد عليه السلام فقال لي: يا أحمد ما كان حالكم فيما كان الناس فيه من الشك والارتياب؟ قلت: يا سیدی لما ورد الكتاب بخبر سيدنا ومولده لم يبق منا رجل ولا امرأة ولا غلام بلغ الفهم إلا قال بالحق، فقال أما علمتم أن الأرض لا تخلو من حجة الله ^۱ ثم أمر أبو محمد عليه السلام والدته بالحج في سنة تسع وخمسين ومأتين وعرفها ما يناله في سنة الستين وأحضر الصاحب عليه السلام فأوصى إليه وسلم الاسم الأعظم والمواريث والسلاح إليه، وخرجت أم أبي محمد مع الصاحب عليه السلام جميعاً إلى مكة؛ (ابن عبد الوهاب، بی تا: ۱۳۸)

از احمد بن مصقله نقل شده است که گفت: بر امام عسکری علیه السلام وارد شدم. به من فرمود: ای احمد! حال و روز شما در میان شک و اضطراب مردم چگونه است؟ گفتیم: ای سرورم! هنگامی که نامه خبر سرور ما و تولدش رسید از میان ما مرد، زن و نوجوانی که به حد فهم رسیده باشد باقی نماند، مگر این که حق را پذیرفت. فرمود: آیا نمی‌دانید که زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند. سپس امام عسکری علیه السلام به مادرش امر کرد که در سال دویست و پنجاه و نه به حج برود و به او از آن چه برایش در سال شصت رخ می‌دهد خبر داد و حضرت صاحب علیه السلام را احضار کرده، به او وصیت نمود و اسم اعظم، میراث‌ها و سلاح را به او تسلیم کرد و مادر حضرت عسکری علیه السلام با حضرت صاحب علیه السلام همگی به سوی مکه حرکت کردند.

فاصله زمانی میان پایان اعمال حج و شهادت امام عسکری علیه السلام کمتر از سه ماه است و احتمالاً یکی از علت‌های دور کردن امام مهدی علیه السلام از محل زندگی حضرت عسکری علیه السلام حفاظت از ایشان در ایام به شهادت رسیدن امام عسکری علیه السلام است که با آشفتگی‌های اجتماعی و حساسیت‌های حکومت همراه خواهد بود.

بخش دوم: حراست از باورهای شیعیان

باور به قیام‌کننده خاندان پیامبر و امامی که زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد، اعتقادی رایج میان شیعیان بوده است. اما شهادت امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری و مشخص

۱. در ادامه در نقل صدوق آمده است: «وَأَنَا ذَلِكَ الْخُجَّةُ أَوْ قَالَ أَنَا الْخُجَّةُ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۰۰؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۲۲)

نبودن جانشین او برای عموم مردم و همچنین فعالیت‌های جعفر کذاب، موجب شد در کوتاه‌مدت تفرقه و چنددستگی میان شیعیان شکل گیرد؛ تفرقه‌ای که امام عسکری علیه السلام آن را پیش‌بینی کرده بود:

عن أبي غانم قال: سمعت أبا محمد الحسن بن علي عليه السلام يقول: في سنة مائتين وستين تفترق شيعتي وقال في آخره ففيها قبض أبو محمد عليه السلام وتفرقت الشيعة وأنصاره، فمنهم من انتمى إلى جعفر، ومنهم من تاه، و[منهم من] شك، ومنهم من وقف على تحيره، ومنهم من ثبت على دينه بتوفيق الله عز وجل؛ (حرعاملی، ۱۴۲۵: ج ۱۹، ۵؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۰۸)

از ابوغانم نقل شده است که شنیدم امام عسکری علیه السلام می‌فرمود: در سال دویست و شصت شیعه من دچار چند دستگی می‌شوند و فرمود (ظاهراً شیخ صدوق): در این سال امام عسکری علیه السلام فوت کرد و شیعه و یاران امام دچار تفرقه شدند، برخی به جعفر نسبت داده شدند و برخی سرگردان گشتند و برخی شک کردند و برخی بر تحیر متوقف شدند و برخی نیز با توفیق خدای عزیز و بلند مرتبه بر دینشان استوار ماندند.

این چنددستگی در شرایط امام عسکری علیه السلام تا حدی طبیعی بود؛ زیرا بسیاری از شیعیان اطلاعات کافی نداشتند، یا در برابر ادعاهای جعفر کذاب و بازی‌های حکومت دچار اشتباه یا تردید شدند یا این‌که برای یافتن رفتار درست در فضای دشوار غیبت امام معصوم آمادگی نداشتند؛ ولی زمینه‌سازی‌های امام عسکری علیه السلام و ائمه پیشین چنان بود که جامعه شیعه پس از مدتی از این بحران عبور کرده و شک و تردیدها از متن جامعه بیرون رفت. از زمینه‌سازی‌های ائمه پیشین در مقالات گذشته گفت‌وگو کردیم و در ادامه به اقدامات حضرت عسکری علیه السلام در این زمینه اشاره می‌کنیم.

الف) آگاه کردن نزدیکان و دوستان از تولد امام مهدی علیه السلام: امام عسکری علیه السلام همزمان با سیاست کتمان تولد امام مهدی علیه السلام در برابر عموم جامعه، درباره بسیاری از نزدیکان و دوستان سیاستی متفاوت پیش گرفت و به شیوه‌های مختلف، خبر تولد مهدی علیه السلام را به گوش ایشان رسانید:

امام عسکری علیه السلام: **وُلِدَ لَنَا مَوْلُودٌ فَلْيَكُنْ عِنْدَكَ مَسْتُورًا وَعَنْ جَمِيعِ النَّاسِ مَكْتُومًا فَإِنَّا لَمْ نُنْظِرْ عَلَيْهِ إِلَّا الْأَقْرَبَ لِقَرَابَتِهِ وَالْوَلِيَّ لَوْلَايَتِهِ أَحَبَبْنَا إِعْلَامَكَ لَيْسُرَكَ اللَّهُ لَهُ مِثْلُ مَا سَرَّنا بِهِ وَالسَّلَامُ؛** (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۳۴)

برای ما فرزندی زاده شده است که باید در نزد تو پوشیده مانده و از همه مردم پنهان بماند که ما جز به خویشان و دوستان اظهار نکنیم، خواستیم خبر آن را به تو اعلام کنیم تا خداوند تو را شاد سازد همچنان که ما را شاد ساخت، و السلام.

این سیاست اگرچه در کوتاه مدت مانع از تشتت در جامعه شیعه نمی‌شد، ولی اطلاع‌رسانی طبیعی و گفت‌وگوهای اعتقادی میان شیعیان موجب شد تا به تدریج این اخبار در دسترس همه شیعیان قرار گیرد و کم‌کم شک و تردید رنگ ببازد و زمینه‌های انحراف از بین برود. تلاطم‌های اولیه اگرچه به نظر خطرناک می‌رسید و شاید برای حکومت عباسی نیز مطلوب می‌نمود، ولی انتقال تدریجی فرمایشات حضرت عسکری علیه السلام و وجود سازمان پر قدرت و مورد اعتماد وکالت می‌توانست که مشکل را در کوتاه مدت حل کند، آن هم در شرایطی که به علت ظهور اختلافات در جامعه شیعی، حساسیت حکومت کمتر شده و خطر برای امام علیه السلام و شیعیان کاهش یافته بود.

در بخشی از روایت فوق به این نکته اشاره شده است که خبر ولادت حضرت حجت علیه السلام به برخی گروه‌هایی نیز رسیده بود که با یاران و خانواده امام علیه السلام ارتباط داشتند. انتقال تدریجی خبر تولد و فوت فرزندان امام به جامعه و حکومت، نوعی آشفتگی خبری ایجاد می‌کرد و حکومت را دچار اشتباه می‌نمود.

البته نقل تدریجی خبر تولد مهدی علیه السلام به تدریج، جامعه شیعی را به سوی این باور سوق می‌داد. پیش‌تر نیز به روایاتی اشاره کردیم که امام به برخی وکلای خویش دستور داده بود برای ولادت امام مهدی علیه السلام به عقیده کردن و اطعام خاندان و یاران اقدام کنند که این کار نیز نوعی اطلاع‌رسانی در این زمینه به شمار می‌رفت.

ب) از پیش‌گویی نسبت به تولد امام مهدی علیه السلام تا نشان دادن ایشان به برخی اصحاب؛ یکی از شیوه‌های ایجاد باور نسبت به تولد حضرت مهدی علیه السلام خبرهایی بود که از ائمه پیشین نقل شده بود. از امام عسکری علیه السلام نیز اخباری درباره تولد چنین فرزندی روایت شده است:

عَنْ عَيْسَى بْنِ صَبِيحٍ قَالَ دَخَلَ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ علیه السلام عَلَيْنَا الْحُبْسَ وَكُنْتُ بِهِ عَارِفًا فَقَالَ لِي: لَكَ خَمْسٌ وَسِتُّونَ سَنَةً وَشَهْرٌ وَيَوْمَانِ. وَكَانَ مَعِيَ كِتَابٌ دُعَاءٍ عَلَيْهِ تَارِيخُ مَوْلِدِي وَ إِنِّي نَظَرْتُ فِيهِ فَكَانَ كَمَا قَالَ. وَقَالَ هَلْ رُزِقْتَ وَلَدًا قُلْتُ لَا. فَقَالَ: اللَّهُمَّ ارزُقْهُ وَلَدًا يَكُونُ لَهُ عَضُدٌ فَنِعْمَ الْعَضُدُ الْوَلَدُ ثُمَّ تَمَثَّلَ علیه السلام:

مَنْ كَانَ ذَا عَضُدٍ يُدْرِكُ ظِلْمَتَهُ إِنَّ الدَّلِيلَ الَّذِي لَيْسَتْ لَهُ عَضُدٌ

قُلْتُ: أَلَاكَ وَلَدٌ؟ قَالَ: إِي وَاللَّهِ سَيَكُونُ لِي وَلَدٌ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا قَامًا الْآنَ فَلَا:

(راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۴۷۸ و روایتی با همین مضمون: خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۲۹۵)

عیسی بن صبیح نقل کرده است که حسن عسکری علیه السلام در زندان بر ما وارد شد و من او را می‌شناختم. به من گفت: ۶۵ سال و یک ماه و دو روز داری. من به همراه خود کتاب دعایی داشتم که بر آن تاریخ تولدم بود و در آن نگریستم و دیدم همان گونه است که او

می گوید. و به من گفت: آیا فرزندی روزیت شده است؟ گفتم: نه. فرمود: خدایا! به او فرزندی روزی کن که بازوی او باشد و چه خوب بازویی است فرزند! سپس به این شعر تمسک کرد:

هرکس که دارای بازویی است حق پایمال شده اش را درخواهد یافت، خوارکسی است که بازویی ندارد.

گفتم: آیا تو فرزندی داری؟ فرمود: آری، به خدا قسم به زودی فرزندی خواهم داشت که زمین را از داد و عدل پر خواهد کرد، اما هم اکنون، خیر.

نشان دادن امام مهدی علیه السلام به یاران یکی از مؤثرترین شیوه‌هایی بود که حضرت عسکری علیه السلام برای ایجاد باور نسبت به تولد آن امام اتخاذ کرد. این شیوه از اولین روزهای تولد امام مهدی علیه السلام به کار گرفته شد:

عَنْ أَبِي عَازِمٍ الْحَادِمِ قَالَ: وُلِدَ لِأَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام وَلَدٌ فَسَمَّاهُ مُحَمَّدًا فَعَرَضَهُ عَلَى أَصْحَابِهِ يَوْمَ الثَّلَاثِ وَقَالَ: هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ وَهُوَ الْقَائِمُ الَّذِي تَمْتَنُّوْنَ إِلَيْهِ الْأَعْنَانُ بِأَلَانِيَتِنَا فَإِذَا امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْرًا وَظُلْمًا خَرَجَ فَتَلَاهَا قِسْطًا وَعَدْلًا؛ (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۳۱)

از ابوغانم خدمتکار نقل شده است که برای امام عسکری علیه السلام فرزندی زاده شد که او را محمد نامیدند. او را در روز سوم به اصحاب عرضه داشت و فرمود: این اختیاردار شما پس از من و جانشین من بر شماست و او قیام کننده‌ای است که به انتظار او گردن‌ها کشیده می‌شود و هنگامی که زمین از بیداد و ظلم پر شود خروج کرده، آن را پراز داد و عدل می‌کند.

نشان دادن امام مهدی علیه السلام به شکل‌ها و به بهانه‌های مختلف در تمامی دوران حیات امام عسکری علیه السلام ادامه داشت و بهترین دلیل در برابر کسانی بود که گرفتار تردید یا انکار شده بودند. همچنین نقل‌های بی‌واسطه از امام عسکری علیه السلام در این باره می‌توانست بسیاری از شبهه‌ها و انکارها را برطرف کند (خصیبی، ۱۴۱۹: ۸۷؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۴۵۸، ۲، ۹۵۷؛ حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۳، ۴۱۵، ۵۷۰، ۷۰۰؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۰۷، ۴۳۴؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۳، ۳۱۷؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۲۸، ۳۲۹؛ طوسی، ۱۴۱۱: ۱۵۰).

برنامه حضرت عسکری علیه السلام چه در رفع خطر از امام مهدی علیه السلام و شیعیان و چه در حراست از باورهای مهدوی موفق بود. بی‌خبر ماندن حکومت از تولد حجت خدا نشان از موفقیت امام در پوشاندن این سرّ از چشمان جست‌وجوگر ظالمان داشت. این بی‌خبری را در روایت منابع تاریخی اهل سنت از زندگانی حضرت عسکری علیه السلام می‌توان دید.

رفع شک و تردیدهای اولیه از جامعه شیعه پس از مدتی کوتاه، حکایت از محفوظ ماندن باورهای مهدوی داشت. این درست است که پس از رحلت حضرت عسکری افتراق و دودستگی جامعه شیعی را فراگرفت، اما برنامه‌ریزی دقیق آن حضرت موجب شد به تدریج شک و تردیدها رنگ ببازد و در فاصله‌ای نسبتاً کوتاه، اثر چندانی از چنددستگی باقی نماند. سازمان وکالت در رفع شبهه‌ها و بازگرداندن جامعه شیعه به وحدت نقشی کلیدی داشت؛ این سازمان - که از زمان حضرت هادی علیه السلام با سرپرستی عثمان بن سعید اداره می‌شد - مورد اعتماد عموم شیعیان بود و حفظ عثمان بن سعید بر رأس این سازمان از سوی حضرت هادی و عسکری علیه السلام اعتمادی ویژه نسبت به او را سبب شد و دوران دشوار انتقال با کمترین آسیب طی گردید. اعلام نیابت عثمان بن سعید و فرزندش محمد بن عثمان تا عصر غیبت از سوی امام عسکری علیه السلام به حفظ و استحکام سازمان وکالت انجامید و پشتوانه لازم برای بقای سازمان وکالت در تمامی عصر غیبت را فراهم کرد.

محورهای بحث مهدویت در سخنان امام عسکری علیه السلام

۱. تولد، نام، نسب و ویژگی‌ها

در بخش گذشته از برخی برنامه‌ها و سخنان امام عسکری علیه السلام در مورد تولد، نام و نسب امام مهدی علیه السلام سخن گفته شد. در این جا به برخی ویژگی‌های دیگر حضرت مهدی علیه السلام در بعضی روایات حضرت عسکری علیه السلام اشاره شده است:

الف) نسبت خاص امام مهدی علیه السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، مانند:

۱. او شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جهت آفرینش و اخلاق است؛

۲. نامش نام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و کنیه‌اش کنیه اوست؛

۳. اوست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آمدنش بشارت داده است.

شاید این همسانی، به یکسانی حرکت مهدی علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اشاره داشته باشد؛

۱. «الحمد لله الذي لم يخرجني من الدنيا حتى أراي الخلف من بعدى، أشبه الناس برسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خلقا و خلقا؛ ستایش برای خدایی است که مرا از دنیا خارج نکرد تا آن که جانشین پس از خود را ببینم، شبیه‌ترین مردم به رسول خدا - درود خدا بر او و خاندانش باد - در آفرینش و اخلاق» (خزازازی، ۱۴۰۱: ۲۹۵).

«فسألته عن اسمه، قال: هو سمی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و کنیه؛ از او درباره نامش (نام حضرت مهدی علیه السلام) پرسیدم، فرمود: هم نام رسول خدا - درود خدا بر او و خاندانش باد - و هم کنیه او» (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۲، ۲۸۱ به نقل از کتاب الغیبه فضل بن شاذان).

«بشّر بك رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و سماك و كناك؛ رسول خدا - درود خدا بر او و خاندانش باد - به تو بشارت داد و برایت نام و کنیه نهاد» (عاملی نباطی، ۱۳۸۴: ج ۲، ۲۳۳).

یکسانی در اهداف و روش‌ها و در ویژگی‌های رهبر و راهبری او.

ب) او حجت و خلیفه خدا و آخرین امام است؛ برخی از ویژگی‌هایی که در کلمات امام عسکری علیه السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام آمده است توضیحی بر این بُعد از شخصیت امام مهدی علیه السلام به شمار می‌رود؛ تعابیری مانند^۱ آخرین خلیفه خدا یا خلیفه حضرت عسکری علیه السلام، امام، حجت خدا، ولی خدا، صاحب اختیار امت و وصی همگی، بیاناتی ناظر به این موضوع هستند. همچنین نکاتی مانند وجوب پذیرش امامت او و اطاعت از او همانند پذیرش امام اول و اطاعت از اوست.^۲

پذیرش امامت و وصایت، پذیرش یک فرد نیست؛ پذیرش یک ضرورت است که در هر زمان در وجود فردی مصداق می‌یابد. هر امام، حجت خدا، ولی او و صاحب اختیار امت است. تأکید بر این نکات، از این روست که پذیرش یک امام و انس با شخصیت او، سبب می‌شود از یاد ببریم ضرورتی که ما را به پذیرش جایگاه او کشانده، با رحلتش از بین نمی‌رود. انکار یک امام پس از اتمام حجت، همانند انکار ائمه پیشین است؛ زیرا آن چه امامت جدید را ثابت می‌کند،

۱. «إن الامام و حجة الله من بعدی ابنی، سمی رسول الله صلی الله علیه و آله و کنیه، الذی هو خاتم حجج الله، و آخر خلفائه؛ به راستی امام و حجت خدا پس از من فرزندانم است، هم نام و هم کنیه پیامبر خدا - درود خدا بر او و خاندانش باد - است، کسی که پایان بخش حجت‌های خدا است و آخرین جانشین او» (حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۵، ۱۹۶).

«ولد ولی الله و حجتة علی عباده و خلیفتی من بعدی؛ ولی خدا و حجت او بر بندگانش و جانشین من پس از من زاده شد» (همو: ۱۹۷).

«هذا امامکم من بعدی، و خلیفتی علیکم أطيعوه؛ این پس از من امام شماست و جانشین من بر شما؛ از او اطاعت کنید» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۲۵).

«هذا صاحبکم من بعدی و خلیفتی علیکم؛ این اختیاردار شما پس از من و جانشین من بر شماست» (همو: ۴۳۱).

«هذا صاحبکم من بعدی؛ این اختیاردار شما پس از من است» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۲۸).

«ستحلمین ذکرا، و اسمہ محمد و هو القائم من بعدی؛ به زودی پسری را حمل خواهی کرد، و اسمش محمد است و اوست قائم پس از من» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۰۸).

«فقال له أبو محمد علیه السلام: أبشر یا بنی فأنت صاحب الزمان و أنت المهدی و أنت حجة الله علی أرضه و أنت ولدی و وصیی ... أنت خاتم الأوصیاء و الأئمة الطاهرين و بشرک رسول الله صلی الله علیه و آله و سماک و کناک؛ امام عسکری علیه السلام به او فرمود: بشارت بر تو ای فرزندانم! تویی صاحب الزمان و تویی مهدی و تویی حجت خدا بر زمینش و تویی فرزند من و وصی ام ... تویی پایان بخش اوصیا و امامان پاک. و رسول خدا صلی الله علیه و آله به تو بشارت داد و نام و کنیه به تو عطا کرد» (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۷۳).

۲. «کأنی بکم و قد اختلفتم بعدی فی الخلف منی أما إن المقر بالأئمة بعد رسول الله صلی الله علیه و آله المنکر لولدی کمن أقر بجمیع أنبیاء الله و رسله ثم أنکر نبوة رسول الله صلی الله علیه و آله و المنکر لرسول الله صلی الله علیه و آله کمن أنکر جمیع الأنبیاء، لان طاعة آخرنا کطاعة أولنا و المنکر لآخرنا کالمنکر لأولنا؛ گویی با شما هستیم، در حالی که پس از من درباره جانشین من دچار اختلاف می‌شوید. اما به واقع اقرار کننده به امامان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرزندانم را انکار کند، همانند کسی است که به همه انبیای الهی و پیامبرانش اقرار کرده و پس از آن نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله را نپذیرد و کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را انکار کند، همانند کسی است که همه پیامبران را انکار کرده است؛ زیرا فرمانبرداری از آخرین ما همانند فرمانبرداری از اولین ماست و انکار کننده آخرین ما همانند انکار کننده اولین ماست» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۰۹).

نصب و تصریح امام پیشین و نشانه‌های اثبات حقانیت ادعای اوست. انکار امام جدید به معنای نپذیرفتن امامان پیشین و انکار نشانه‌های حق است.

ج) ویژگی‌های شخص قائم؛ حضرت حجت افزون بر ویژگی‌های امامت، اوصاف مختص به خود نیز دارد؛ اوصافی که امام عسکری علیه السلام به برخی اشاره کرده است:

۱. مادر او دختر پسر پادشاه روم است؛^۱
 ۲. او در عالم ظاهر، توسط حکیمه خاتون و در عالمی دیگر به دست رضوان - خازن بهشت - و ملائک مقرب پروردگار، غسل داده شده است؛^۲
 ۳. برخی سنت‌های خاص انبیا علیهم السلام در امام مهدی علیه السلام جاری است؛ سنت عمر طولانی همانند نوح علیه السلام و سنت غیبت که در موسی علیه السلام نیز جریان یافت؛^۳
 ۴. بردن نام او تا هنگامی که ظهور کند ممنوع است؛^۴
 ۵. او قائمی است که مردم مدت‌ها به انتظار ظهورش خواهند ماند.^۵
- مروری بر نسب امامان شیعه علیهم السلام این نکته را مشخص می‌کند که بیشتر آنان از مادرانی با ملیت‌های گوناگون به دنیا آمده‌اند؛ از این رو امام مهدی علیه السلام را می‌توان دارای ارتباط نسبی با عمده اقوام دانست؛ از آفریقای سیاه تا ایران و روم. این ریشه گسترده خانوادگی و فرزندانی برای امامی که با تمامی زمین سروکار خواهد داشت بسیار متناسب است.

۱. «قال: ممن هو یا ابن رسول الله؟ قال: من ابنة ابن قیصر ملك الروم؛ گفت: او زاده کیست ای فرزند رسول خدا؟ فرمود: دختر پسر پادشاه روم» (حر عاملی، ۱۴۲۵: ج ۳، ۵۶۹).

۲. «وكان أول من غسله رضوان خازن الجنان مع جمع من الملائكة المقربين بماء الكوثر و السلسبیل، ثم غسلته عمته حكیمة بنت محمد بن علی الرضا علیه السلام؛ و اولین کسی که او را شستشو داد، رضوان خزانة دار بهشت بود همراه با گروهی از فرشتگان مقرب با آب کوثر و سلسبیل. پس از آن عمه‌ام حکیمه دختر امام جواد علیه السلام او را شستشو داد» (خاتون آبادی، ۱۳۷۳: ج ۳، ۱).

۳. «إن ابني هو القائم من بعدی و هو الذی یجری فیه سنن الأنبياء بالتعمیر و الغیبة حتی تقسو القلوب لطول الأمد، فلا یثبت علی القول به إلا من كتب الله عز و جل فی قلبه الايمان و أیده بروح منه؛ به راستی اوست قیام کننده پس از من، و اوست که سنت‌های انبیا در طول عمر و پنهان شدن در او جریان می‌یابد تا آن جا که به سبب طولانی شدن زمان، دل‌ها سخت می‌شود و کسی به اعتقاد بر او باقی نمی‌ماند، مگر کسی که خدا - چیره است و بزرگوار - در دلش ایمان را نوشته است و با روحی از جانب خویش قوت بخشیده است» (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۹۶۴).

۴. «ولا یحل لاحد أن یسمیه باسمه أو یکنیه بکنیته إلی أن یظهر الله دولته و سلطنته، فاکتم یا ابراهیم ما رأیت و سمعت منا الیوم إلا عن أهله؛ و برای هیچ کس جایز نیست که او را با اسمش بخواند یا با کنیه‌اش از او یاد کند تا زمانی که خدا دولت او و پادشاهی او را آشکار کند. پس ای ابراهیم! آن چه را که امروز از ما دیدی و شنیدی پنهان کن، مگر از اهل آن» (خاتون آبادی، ۱۳۷۳: ج ۳، ۱).

۵. «و هو القائم الذی تمتد إلیه الأعناق بالانتظار فإذا امتلأت الأرض جوراً و ظلماً خرج فملاًها قسطاً و عدلاً؛ و او قیام کننده‌ای است که گردن‌ها به انتظارش کشیده می‌شود و هنگامی که زمین پر از بی‌داد و ستم می‌شود، او قیام کرده و آن را پر از داد و عدل می‌نماید» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۳۱).

غسل، شست و شو از آلودگی هاست؛ از این رو امام مهدی علیه السلام نه تنها از آلودگی های ظاهری شستشو یافته، بلکه از هر عیبی که آدمی را از رضای حق باز دارد، با شست و شوی رضوان - خازن بهشت - و از هر عیبی که آدمی را از قرب حق دور کند، با شست و شوی ملائک مقرب حق، پاک می شود.

اولیای خدا همگی وارثان انبیای الهی هستند، ولی برخی سنت های الهی که در زندگی آنان جریان داشته، امروزه برای امت ما غریب و نامأنوس اند. برخی از این سنت ها در زندگی امام مهدی علیه السلام دوباره جریان یافته است؛ سنت هایی که قدرت حق را و محدود نبودن او به قواعد طبیعی را به ما گوشزد می کنند.

ذکر نام و نسب، در عصری که طاغوت ها در هر پستی به دنبال یافتن حجت خدا هستند، حساسیت ها را بیشتر کرده و مخاطرات را افزایش می دهد. در مقالات پیشین به این نکته اشاره شد که این ممنوعیت برای جلوگیری از حساسیت هاست و آن جا که زمینه ای برای حساسیت نیست، ممنوعیت وجهی نخواهد داشت.

او همانند پدرانش قیام کننده به حق است؛ با این تفاوت که برای ظهورش باید انتظارها کشید و زمینه ها ساخت. تا دیگران تجربه نشوند و خالی بودن دست ها را باور نکنیم، به انتظار او گردن نخواهیم کشید و چشم به راه نخواهیم بود.

۵) برخی علائم مشخص برای شناخت افراد خاص؛^۱ انجام کارهای خارق العاده یکی از راه هایی بود که امام معصوم ارتباط خود با عالم دیگر را اثبات می کرد. همچنین از نظر روایات، یکی از علائم امامت، خواندن نماز بر جنازه امام درگذشته است. در برخی روایات، حضرت عسکری علیه السلام به این راه ها برای شناسایی امام مهدی علیه السلام اشاره می کند.

ابوالادیان از امام عسکری علیه السلام نقل می کند که حضرت به من فرمان داد برای انجام کاری به مدائن بروم و مرا مطلع کرد که هنگامی به سامرا باز خواهم گشت که صدای ناله عزا از منزل او برخاسته و جسد امام بر تخت شست و شو قرار دارد. ابوالادیان می پرسد: در چنین شرایطی، امام بعد را چگونه بشناسم؟ حضرت عسکری علیه السلام سه قرینه در اختیار او قرار می دهد: ۱. آن که جواب نامه هایی را درخواست کند که من برای مدائن نوشته ام؛ ۲. آن که بر جنازه من نماز بخواند؛ ۳. آن که از درون همیان خبر دهد. ابوالادیان در بازگشت از مدائن با صحت تمامی

۱. «إمض بها إلى المدائن فإنك ستعيب خمسة عشر يوماً و تدخل إلى سر من رأى يوم الخامس عشر و تسمع الواعية في داري و تجدني على المعتسل. قال أبو الأديان: فقلت: يا سیدی فإذا كان ذلك فمن؟ قال: من طالبك بجوابات کتبی فهو القائم من بعدی، فقلت: زدنی، فقال: من یصلی علی فهو القائم بعدی فقلت: زدنی، فقال: من أخبر بما فی الهمیان فهو القائم بعدی، ثم منعتنی هیئته أن أسأله عما فی الهمیان» (همو: ۴۷۵).

پیش‌بینی‌های امام عسکری علیه السلام مواجه شده و با همان علامت‌ها به شناخت حضرت حجت علیه السلام نایل می‌آید.

۲. غیبت

برخی روایات حضرت عسکری علیه السلام به نکاتی اختصاص دارد که مرتبط با اوایل دوره غیبت است. روایت ابوالادیان - که پیش‌تر از آن سخن گفتیم - یکی از این روایات به شمار می‌رود؛ همچنین روایتی که در آن، امام عسکری علیه السلام از چند دستگی میان شیعیان در سال ۲۶۰ خبر می‌دهد. روایت ابوهاشم جعفری - که راوی از محلی می‌پرسد که پس از وفات حضرت، از فرزند او جويا شود و امام او را به مدینه ارجاع می‌دهد - نیز به همین دوره بازمی‌گردد (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۲۸).

از جمله مهم‌ترین روایات امام عسکری علیه السلام به معرفی وکلای عصر غیبت و ایجاد مقام نیابت اختصاص دارد:

قَالَ الْحَسَنُ علیه السلام لِيَذْرُفَ امْضُ فَاتَّبِنَا بِعُثْمَانَ بْنِ سَعِيدِ الْعَمْرِيِّ فَمَا لَبِثْنَا إِلَّا يَسِيرًا حَتَّى دَخَلَ عُثْمَانُ فَقَالَ لَهُ سَيِّدُنَا أَبُو مُحَمَّدٍ علیه السلام امْضِ يَا عُثْمَانُ فَإِنَّكَ الْوَكِيلُ وَالثَّقَّةُ الْمَأْمُونُ عَلَى مَالِ اللَّهِ وَأَقْبِضْ مِنْ هَؤُلَاءِ النَّفَرِ الْيَمِينِيِّينَ مَا حَمَلُوهُ مِنَ الْمَالِ ... ثُمَّ قُلْنَا بِأَجْمَعِنَا يَا سَيِّدَنَا وَ اللَّهُ إِنَّ عُثْمَانَ لَمِنْ خِيَارِ شِيعَتِكَ وَلَقَدْ زِدْتَنَا عِلْمًا بِمَوْضِعِهِ مِنْ خِدْمَتِكَ وَإِنَّهُ وَكَيْلِكَ وَ ثَقَّتْكَ عَلَى مَالِ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ نَعَمْ وَاشْهَدُوا عَلَيَّ أَنَّ عُثْمَانَ بْنَ سَعِيدٍ الْعَمْرِيَّ وَكَيْلِي وَأَنَّ ابْنَهُ مُحَمَّدًا وَكَيْلَ ابْنِي مَهْدِيَّكُمْ؛ (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۶)

راویان نقل می‌کنند... امام حسن عسکری علیه السلام به بدر (غلام) فرمود: عثمان بن سعید عمری را پیش ما بیاور. فقط کمی منتظر شدیم تا عثمان داخل شد. سرورمان امام عسکری علیه السلام به او گفت: ای عثمان! به راستی تو وکیل و معتمد امین بر مال خدا هستی؛ برو و از این جماعت یمنی اموالی را که آورده‌اند بگیر. ... سپس همگی گفتیم: ای سرور ما! به خدا قسم به راستی عثمان از خوبان شیعه توست و به تحقیق آگاهی ما را نسبت به جایگاهش در خدمتت افزودی و به راستی او وکیل تو و معتمدت بر مال خدای تعالی است. فرمود: بله و شاهد باشید که به راستی عثمان بن سعید وکیل من است و فرزندش محمد، وکیل فرزندم مهدی شماست.

عثمان بن سعید در اوایل دوران غیبت، وکیل امام مهدی علیه السلام بود و بیان امام عسکری علیه السلام در تمجید از او، در حقیقت ایجاد تکیه‌گاهی برای شیعه در دوره اولیه غیبت است.^۱ عثمان بن

۱. «ألا وإنکم لا ترونه من بعد یومکم هذا حتی یتیم له عمر فاقبلوا من عثمان ما یقوله و انتھوا الی أمره و اقبلوا قوله فهو خلیفة

سعید، مدیر سازمان وکالت در عصر حضرت هادی و عسکری علیه السلام است و اعتباربخشی به او و به سخنانش، کمکی بزرگ برای شیعیان در دوره آغاز غیبت به شمار می‌رود.^۱ افزون بر این، تعیین محمد بن عثمان به عنوان وکیل امام مهدی علیه السلام از سوی امام عسکری علیه السلام اختلاف و درگیری را در عصر غیبت امام مهدی علیه السلام به حداقل رساند و محوری قابل اعتماد را برای دوره غیبت مشخص کرد؛ خصوصاً با توجه به این نکته که محمد بن عثمان طولانی‌ترین دوره وکالت را در عصر غیبت صغرا داشته و در سال ۳۰۵ یا ۳۰۴ رحلت کرده است (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۴، ۵۱۰).

امام علیه السلام در برخی روایات شیعیان را با آثار غیبت امام و مشکلات پیش رو آشنا کرده و آنان را برای استقامت در مسیر و ثبات در اعتقاد آماده می‌سازد. در روایتی امام علیه السلام پس از معرفی فرزندش به عنوان قائم، در وصف او از جریان سنت‌های انبیا علیهم السلام در او می‌فرماید:

إِن ابْنِي هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي، وَهُوَ الَّذِي يَجْرِي فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ بِالْتَعْمِيرِ وَالْغَيْبَةِ حَتَّى تَقْسُوا الْقُلُوبَ لَطُولِ الْأَمَدِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَى الْقَوْلِ بِهَذَا إِلَّا مَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أُيِّدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ؛ (همو، ۱۳۹۵: ج ۲، ۵۲۴)

به راستی فرزندم همان قائم پس از من است و اوست که در او سنت‌های پیامبران با عمر طولانی و غیبت جریان می‌یابد تا جایی که دل‌ها به سبب طولانی شدن زمان، قساوت می‌یابد و کسی بر اعتقاد به او پایدار نمی‌ماند، مگر آن که خدای عزت‌مند و بزرگوار در دلش ایمان نوشته و با روحی از جانب خویش تأییدش کرده باشد.

اگرچه امام مهدی علیه السلام مانند پدرانش قیام‌کننده به حق است، ولی دیده نشدن و طول عمر او ابتلایی است که می‌تواند دل‌ها را از نرمی و پذیرش بیرون برده و به تردید و تزلزل دچار کند. آن‌چه می‌تواند دل را از این ابتلا به سلامت عبور دهد، ایمانی است که چنان در وجود فرد رخنه کرده که جایی برای محبت با دشمن خدا و رسول باقی نگذارده است.^۲ آن‌چه دل را مصون

۱. امامکم و الامر الیه؛ آگاه باشید به راستی شما از امروز به بعد او را نخواهید دید تا عمر او به پایان برسد. پس از عثمان، آن‌چه را که می‌گوید بپذیرید و فرمانش را انجام دهید و سخنش را بپذیرید و حکم در اختیار اوست» (طوسی، ۱۴۱۱: ۳۵۷).

۱. از امام عسکری علیه السلام کلمات دیگری نیز در تأیید دو نایب اول صادر شده که مشهورترین آن‌ها این سخن است: «أَخْبَرَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا مُحَمَّدٍ علیه السلام عَنْ مِثْلِ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ الْعَمْرِيُّ وَابْنُهُ يُقْتَانِ فَمَا أَدْبَا إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِي يُؤَدِّبَانِ وَ مَا قَالَا لَكَ فَعَنِي يُقُولَانِ فَاسْمَعْ لَهُمَا وَ أَطِعْهُمَا فَإِنَّهُمَا الثَّقَتَانِ الْمَأْمُونَتَانِ» (کلبینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۳۳۰).

۲. «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَتَدَّهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ»؛ «گروهی را نمی‌یابی که با ایمان به خداوند و روز واپسین، با کسانی که با خداوند و پیامبرش مخالفت ورزیده‌اند دوستی ورزند، هرچند که آنان پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشان‌شان باشند؛

می‌کند،^۱ روح متفاوتی است که در او دمیده شده است؛ روحیه‌ای که سؤال‌ها و دشواری‌ها آن را درهم نمی‌شکنند و گرفتار نمی‌کند.

در سخنی دیگر، امام عسکری علیه السلام از گروه‌هایی خبر می‌دهد که در عصر غیبت گرفتار می‌شوند و سرگردانی، نابودی یا دروغ‌گویی در انتظارشان خواهد بود:

إن له غيبة يحار فيها الجاهلون، ويهلك فيها المبطلون، ويكذب فيها الوقتون. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۰۹)

آن‌ها که از آگاهی‌ها و آموزه‌ها بی‌بهره مانده‌اند با غیبت به حیرت و سرگردانی دچار می‌شوند و آنان که بد و غلط می‌اندیشند غیبت و تنهایی به نابودی‌شان می‌کشاند. ابهام در زمان رفع غیبت، آن‌ها را که گرفتار عجله هستند یا به سوء استفاده از شرایط می‌اندیشند به وقت‌گذاری و پیش‌بینی‌های بی‌اساس می‌کشاند.

این بیانات از یک سو فضای غیبت را برای مخاطبان ترسیم می‌کند و از سوی دیگر، ضعف‌هایی را به ما نشان می‌دهد که اگر برای آن‌ها چاره‌ای نیندیشیم، عصر غیبت را به عصر سقوط و نابودی مان بدل می‌کند.

در کلمات امام عسکری علیه السلام شاهد پیام مکرر ائمه پیشین علیهم السلام - که دعوت به صبر و انتظار فرج بود - هستیم:

عليك بالصبر وانتظار الفرج، قال النبي صلى الله عليه وآله: أفضل أعمال أمتي انتظار الفرج. ولا يزال شيعتنا في حزن حتى يظهر ولدي الذي بشر به النبي يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً. فاصبر يا شيخي يا أبا الحسن علي وأمر جميع شيعتي بالصبر، فإن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين؛ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ۴۲۵)

بر تو باد به صبر و انتظار گشایش، پیامبر - درود خدا بر او و خاندانش باد - فرمود: برترین اعمال امت من، انتظار گشایش است و شیعیان من همواره در حزن خواهند بود تا هنگامی که فرزندم - که پیامبر بشارت داده زمین را پر از داد و عدل می‌کند همان‌گونه که پر از بیداد و ستم شده است - ظهور کند. پس ای شیخ من! ای ابوالحسن علی! صبر کن و به همه شیعیانم دستور به صبر بده. به راستی زمین متعلق به خداست؛ به هر کس از بندگان که بخواهد به ارث می‌گذارد و پایان کار برای تقوای پیشگان است.

۱. آنان اند که [خداوند] ایمان را در دلشان برنوشته و با روحی از خویش تأییدشان کرده است» (مجادله: ۲۲).
 ۱. «إن لولدي غيبة يرتاب فيها الناس إلا من عصمه الله عز و جل؛ به راستی برای فرزندم غیبتی هست که مردم در آن دچار تردید می‌شوند، مگر آن کس که خدای - که چیره و بزرگوار است - او را حفظ کند» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۰۹).

صبر به معنای استقامت در مسیر است و آن چه در شرایط متلاطم غیبت باید بر آن تکیه کرد، همین استقامت ورزیدن در مسیر است. در این شرایط، افزون بر صبر باید به آماده‌سازی برای ظهور حضرت پرداخت که از این آماده‌سازی به انتظار فرج تعبیر می‌شود. در این روایت از انتظار فرج به برترین عمل تعبیر شده است که نشان از آن دارد که انتظار فرج صرفاً یک حالت نیست، بلکه عملی است که فرد منتظر برای تدارک ظهور و حضور حجت خدا انجام می‌دهد. امام عسکری به این نکته اشاره می‌کند که شیعه تا پیش از برپایی حکومت مهدی علیه السلام در حزن و اندوه است. این حزن و اندوه ریشه در درک شیعه از فرصتی است که با حکومت دیگران از دست رفته است. شیعه حتی اگر حکومت را در دست داشته و به عدالت حکم کند، فاصله میان حکومت معصوم و غیرمعصوم را درک کرده، از اندوه و حزن جدا نمی‌شود. آن چه در نهایت زمینه‌ساز حکومت حق خواهد بود، با پای تقوا حرکت کردن (العاقبة للمتقين)، استقامت بر مسیر (صبر) و آماده ساختن شرایط برای ظهور حجت خدا (انتظار فرج) است.

در تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام روایات متعددی از ایشان درباره نقش علما در عصر غیبت وارد شده است که اگر اعتباری برای آن کتاب و روایات مندرج در آن قائل باشیم، از تأکید خاص امام عسکری علیه السلام بر جایگاه علما در عصر غیبت حکایت دارد. این مضمون از روایاتی که علما و فقها را وارثان انبیا، جانشینان پیامبران و امانت‌دار ایشان معرفی کرده نیز استفاده می‌شود (امام عسکری علیه السلام، ۱۴۰۹: ۳۳۹ - ۳۵۳). عالمان دین نه تنها وظیفه دارند ادامه‌دهنده حرکتی باشند که امامان معصوم علیهم السلام آغازگر آن بوده‌اند. افزون بر این، عهده‌دار زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز هستند.

در کلمات دیگر حضرت عسکری علیه السلام تکرار و تأکید بر گزاره‌های مهم امامت و مهدویت نیز آمده است؛ گزاره‌هایی مانند «من مات و لم یعرف امام زمانه...»، «إن الارض لا تخلو من حجة...»، «یملأ الله به الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً» و «إن الارض لله یورثها من یشاء».

در کلمات به جای مانده از امام عسکری علیه السلام از محورهای دیگر آموزه‌های مهدوی، مطلبی نمی‌توان یافت؛ محورهایی مانند عصر ظهور و وقایع قبل و بعد آن، جنگ‌های حضرت مهدی علیه السلام تا شکل‌گیری حکومت جهانی و همچنین از حوادث پس از آن تا روز قیامت.^۱

۱. شیخ صدوق در *کمال‌الدین* روایتی را از امام عسکری علیه السلام نقل کرده است که در آخرین فقره آن، امام از برافراشتگی پرچم‌های سفید بر بالای سر حضرت مهدی علیه السلام در نجف و کوفه خبر می‌دهد. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۰۹)

نتیجه‌گیری

امامت حضرت عسکری علیه السلام در برهه‌ای کوتاه اما بسیار مهم از تاریخ شیعه شکل گرفته است. خطر از دو جهت جامعه شیعه را تهدید می‌کند؛ نخست حساسیت فوق‌العاده حکومت نسبت به فرزندی که از امام عسکری علیه السلام متولد خواهد شد؛ حساسیتی برخاسته از وعده اولیای پیشین به تولد موعود از امام یازدهم که اکنون جان امام مهدی علیه السلام را تهدید می‌کند و دوم، ویران شدن باورهای اعتقادی شیعه به امامت و مهدویت.

قتل امام عسکری علیه السلام در عنفوان جوانی، ریشه در حساسیت اول دارد و به این امید صورت می‌گیرد که از تولد مهدی موعود علیه السلام جلوگیری کند؛ ولی امام عسکری علیه السلام با تدبیرهایی پیچیده و ظریف توانست از یک سو تولد مهدی علیه السلام از چشم حکومت و مردم پوشیده دارد و از سوی دیگر، با تعیین برخی نایبان عصر غیبت، سازمان وکالت را برای حفظ شیعه در تلاطم‌های عصر غیبت حفظ کند و همچنین با ایجاد آگاهی نسبت به تولد و جایگاه فرزندش در برخی اقوام و دوستان و با تکیه بر جریان طبیعی انتقال اطلاعات، اختلافات سال‌های اولیه غیبت را کنترل کند و حتی به نفع برنامه خویش از آن استفاده نماید.

امام همانند پدران‌ش امت را از خطرات پیش رو و راه‌های رهایی آگاه کرد و مهم‌ترین آموزه‌های مهدوی را نیز به گوش مردم بازخواند.

منابع

- ابن بابويه، على بن حسين (١٤٠٤ق)، *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، قم، مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، اول.
- ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن علي (١٣٧٩ق)، *مناقب آل أبي طالب عليهم السلام*، قم، انتشارات علامه، اول.
- ابن طاوس، علي بن موسى (١٤١١ق)، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، قم، دار الذخائر، اول.
- ابن عبد الوهاب، حسين بن عبد الوهاب (بي تا)، *عيون المعجزات*، قم، مكتبة الداوري، اول.
- اربلي، علي بن عيسى (١٣٨١ق)، *كشف الغمة في معرفة الأئمة*، تبريز، بني هاشمي، اول.
- امام عسكري، حسن بن علي عليه السلام (١٤٠٩ق)، *التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام*، قم، مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، چاپ اول.
- حر عاملي، محمد بن حسن (١٤٢٥ق)، *إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بيروت، اعلمى، چاپ اول.
- خاتون آبادي، مير محمد صادق (١٣٧٣ق)، *كشف الحق (الاربعين)*، تصحيح و تعليق: داوود ميرصابري، تهران، مؤسسه امام مهدي عليه السلام، چاپ اول.
- خزاز رازي، علي بن محمد (١٤٠١ق)، *كفاية الأئمة الإثني عشر*، قم، بيدار.
- خصيبي، حسين بن حمدان (١٤١٩ق)، *الهداية الكبرى*، بيروت، البلاغ.
- راوندی، قطب الدين سعيد بن هبة الله (١٤٠٩ق)، *الخرائج والجرائج*، قم، مؤسسه امام مهدي عليه السلام، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن علي بن بابويه (١٣٩٥ق)، *كمال الدين و تمام النعمة*، تهران، اسلاميه، دوم.
- _____ (١٤١٣ق)، *من لا يحضره الفقيه*، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ دوم.
- طوسي، محمد بن الحسن (١٤١١ق)، *كتاب الغيبة للحجة*، قم، دار المعارف الإسلامية، اول.
- عاملی نباطی، علی من محمد بن علی بن محمد بن یونس (١٣٨٤ق)، *الصراط المستقیم إلى مستحقى التقديم*، نجف، المكتبة الحيدرية، چاپ اول.
- كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق (١٤٠٧ق)، *الكافي*، تهران، دار الكتب الإسلامية، چهارم.
- نوري، حسين بن محمد تقی (١٤٠٨ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول.

